

میرزا مهدی اصفهانی «آیت اصلاح» (۱۳۰۳-۱۳۶۵ ه.ق.)

محمدعلی رحیمیان

گلشن ابرار جلد سوم

ولادت

میرزا مهدی اصفهانی خراسانی در اوایل سال ۱۳۰۳ ه.ق. در اصفهان به دنیا آمد. پدرش میرزا اسماعیل اصفهانی از نیکان اصفهان بود.

تحصیل

وی در ۹ سالگی سایه پرمهر پدر را از دست داد، ولی همچنان به تحصیل علم ادامه داد و مقدمات، ادبیات، فقه و اصول را در حوزه علمیّه اصفهان آموخت و در ۱۲ سالگی، برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شد. وی بنا به سفارش آیت الله حاج آقا رحیم ارباب، نزد آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر (متوفاً: ۱۳۳۸ ه.ق.) رفت و زانوی شاگردی به زمین زد.

میرزا در محضر عالمی پارسا

آن فقیه پارسا علاوه بر تحصیل علوم متعارف حوزه، مبانی سیر و سلوک را فرا گرفت. وی علم اصول را نزد میرزای نائینی و فقه را نزد سید محمد کاظم یزدی آموخت.

او پس از آشنایی با مبانی سیر و سلوک، راه های سیر و سلوک را از محضر سید احمد کربلائی (متوفاً: ۱۳۳۲ ه.ق.)، شیخ محمد بهاری همدانی، سید علی قاضی و سید جمال الدین گلپایگانی بهره مند شد.

میرزا مهدی پس از تکمیل دروس متعارف حوزوی، همراه آیت الله سید محمود شاهرودی، آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی و چند نفر دیگر که جمعاً بیش از هفت نفر نبودند، در اولین دوره درس خارج میرزای - نائینی که درباره اصول فقه بود - شرکت می کنند.

در این درس، دیدگاه های اصولی و فقهی شیخ انصاری نقد می شود. این درس که گاهی ۳ ساعت طول می کشید، نزدیک به ۵ سال ادامه یافت. میرزای اصفهانی در آن ایام، به موازات تلاش های علمی، به بُعد عملی و اخلاقی خود نیز ادامه می دهد و درجات سیر و سلوک را نزد استادانی مانند آقا سید احمد کربلائی به خوبی می گذراند و مراحلی چون «معرفت نفس» و «خلع بدن» [۱] (تجربید) را پشت سر می گذارد.

تشنه وصال

کم کم پژوهش در «فلسفه» وی را به سوی «عرفان» کشانده و در باب عرفان هم به بالاترین مرحله آن دست یافت، اما با همه این‌ها، دلش آرام نگرفت و اضطراب درونی اش روز به روز بیش تر می شد زیرا می دید که مفاهیم و مصطلحات فلسفی و عرفانی (مثل وحدت وجود، چگونگی علم و اراده، خلق از عدم محض، حدوث زمانی عالم، خلقت ارواح قبل از ابدان، معاد کامل جسمانی عنصری، حقیقت خلود، حقیقت نفس، بداء و سعادت و شقاوت) با محکمت اسلامی و مبانی قرآنی و معارف معصومین (علیهم السلام) - چنان که علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان»، ج ۵، ۳۰۵ و ۳۰۶، تصریح کرده اند - تطابق تام ندارد. نگرانی روحی، او را به وادی دیگری می کشاند راه مسجد سهله را پیش می گیرد و اشک های خود را بر ریگ های مسجد سهله گسیل می دارد. او با زمزمه «دست از طلب ندارم تا کام دل برآید»، به حضرت مهدی (عج) توکل کامل می جوید و سرانجام کام دل بر می آید و دیدار معشوق نصیبش می شود. با ارائه لوحی روشن به این عبارت: «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لانکارنا» [۲] و قد اقامنی الله و انا الحجة بن الحسن» [۳]، تشویش و نگرانی از او زدوده می شود، و به او القاء می شود که حقیقت معرفت را از کجا و چگونه باید طلب کرد. او به سختی معتقد می شود که علمی که به برکت قرآن کریم، در لیلۃ القدر نازل گشته، همان حقیقت «علم مصوب» [۴] است که باید آن را برتر از آن دانست که در سطح انطباق با تأویل علوم بشری قرار گیرد. این علم، علمی است الهی و بی نیاز از همه چیز و همه جا و همه کس. و میزان شناختی است مستقل و جامع و برتر و بالاتر از همه میزان ها و دستگاه های شناختی که در تاریخ بشر عرضه گشته است.

مکتب معارفی میرزای اصفهانی که باید به اعتباری ایشان را در سده چهاردهم هجری، مؤسس آن دانست، از این طرز فکر مایه می گیرد و شکل می پذیرد زیرا وی موقف به شناخت های غنی و مستقل در ابواب مختلف معارف «مبدء و معاد» و «آفاق و انفس» و «قرآن و حدیث» می گردد و به سرچشمه زلال آن رو می آورد و از آن بهره مند می شود.

اقامت در مشهد مقدس

میرزا مهدی اصفهانی در سال ۱۳۴۰ ه. ق. به ایران بر می گردد و در مشهد اقامت می کند. وی از سال ۱۳۴۰ ه. ق. تا سال ۱۳۶۵ ه. ق. به تدریس تحقیقی خارج اصول، نشر معارف، تربیت نفوس و عقول، و دادن دید اجتهادی در مسائل عقلی و معارفی و تشجیع بر اظهار نظر و داشتن درک استقلالی و انتقادی از فلسفه و عرفان پرداخت. بیش تر شاگردان ایشان از بزرگان حوزه

علمیه خراسان بودند که سال ها در درس آقا بزرگ حکیم شهیدی [۵]، حاجی فاضل خراسانی، شیخ اسدالله عارف یزدی و دیگر استادان فلسفه و عرفان، شرکت کرده بودند. پیش از آوردن شرحی درباره این دوره از زندگانی میرزای اصفهانی، باید اشاره کنیم به اجازه اجتهادی که میرزای نائینی برای ایشان نوشته است اجازه ای بسیار تجلیل آمیز، آن هم از کسی که کم تر اجازه اجتهاد نوشته است. میرزای نائینی در این اجازه، درباره میرزای اصفهانی که ۳۵ سال پیش نداشت، نوشت:

«.. العَلَمُ العَلَامُ، وَالْمَهْدَبُ الهُمَامُ، ذوالقريحة القويمه، و السليقة المستقيمة، والنظر الصائب والفكر الثاقب، عماد العلماء و صفوة الفقهاء، وَالْوَرَعُ التَّقِيُّ و العَدْلُ الزَّكِيُّ... فليحمد الله - سبحانه وتعالى - على ما أولاه من جودة الذهن وحسن النظر.»

در حاشیه این اجازه نامه، سه تن از مراجع تقلید تشیع مراتب مندرج در آن ومقامات بلند علمی و تحقیقی میرزای اصفهانی را تأیید کرده و ستوده اند. این سه تن عبارتند از:

۱. آقا ضیاء الدین عراقی.

۲. سید ابوالحسن اصفهانی.

۳. حاج شیخ عبدالکریم یزدی.

درس های میرزای اصفهانی

۱. اصول نائینی

میرزای اصفهانی پس از ورود به مشهد، به تدریس خارج اصول در حوزه علمیه مشهد و نقد نظریات میرزای نائینی پرداخت. وی نخستین شاگرد میرزای نائینی بود و بر مبانی و نظرات استادش تسلط کافی داشت. درس میرزا در حوزه مشهد در خششی خاص می یابد و سال های بسیاری ادامه پیدا می کند.

۲. معارف

میرزای اصفهانی به تدریس «مبانی خالص قرآنی» در معارف و اصول عقاید می پردازد.

۳. اصول آل الرسول

وی علاوه بر تدریس خارج اصول نائینی که مفصل بود، یک دوره اصول فشرده برای نخبگان حوزه علمیه مشهد می گوید که به «اصول آل الرسول» معروف شده است. این دوره از مباحث زاید و تکراری خالی بود و فقط به بیان اصول اصلی می پرداخت و حدود ۲ سال طول کشید.

شاگردان

۱. سید حسین حائری کرمانشاهی (متوفاً: ح ۱۳۶۴ هـ.ق.).
۲. سید صدرالدین صدر (متوفاً: ۱۳۷۳ هـ.ق.). [۶]
۳. شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (متوفاً: ۱۳۴۶ ش.). [۷]
۴. شیخ هاشم قزوینی (متوفاً: ۱۳۳۹). [۸]
۵. میرزا علی اکبر نوقانی (متوفاً: ۱۳۷۰ هـ.ق.). [۹]
۶. شیخ حسین وحید خراسانی (دام ظلّه).
۷. شیخ غلامحسین محامی بادکوبه ای (متوفاً: ۱۳۳۳ ش.).
۸. شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی (متوفاً: ۱۳۶۰ ش.).
۹. شیخ محمد حسن بروجردی (متوفاً: ۱۳۲۹ ش.).
۱۰. شیخ هادی روحانی مازندرانی (متوفاً: ۱۳۷۸ ش.).
۱۱. شیخ زین العابدین غیاثی تنکابنی (متوفاً: ۱۳۳۶ ش.).
۱۲. سید علی شاهرودی.
۱۳. شیخ علی محدث خراسانی (متوفاً: ۱۳۷۰ هـ.ق.). [۱۰]
۱۴. شیخ علی نمازی شاهرودی (متوفاً: ۱۳۶۴ ش.). [۱۱]
۱۵. سید محمدباقر نجفی (متوفاً: ۱۳۶۶ ش.). [۱۲]
۱۶. استاد محمدتقی شریعتی مزینانی (متوفاً: ۱۳۶۶ ش.). [۱۳]
۱۷. میرزا جواد آقا تهرانی (متوفاً: ۱۳۶۶ ش.). [۱۴]
۱۸. شیخ عبدالله واعظ یزدی (متوفاً: ۱۳۷۱ ش.). [۱۵]
۱۹. شیخ محمد رضا محقق تهرانی (متوفاً: ۱۳۷۳ ش.).
۲۰. شیخ محمدباقر محسنی ملایری (متوفاً: ۱۳۷۴ ش.).
۲۱. شیخ محمود حلبی خراسانی (متوفاً: ۱۳۷۶ ش.).
۲۲. شیخ حسنعلی مروارید (دام ظلّه).
۲۳. شیخ محمد باقر ملکی میانه ای (متوفاً: ۱۳۷۷ ش.). [۱۶]
۲۴. شیخ عبدالنبی کجوری (متوفاً: ۱۴۱۹ هـ.ق.). [۱۷]
۲۵. شیخ علی اکبر صدرزاده دامغانی (دام ظلّه).
۲۶. سید علیرضا قدوسی.
۲۷. شیخ اسماعیل معتمد خراسانی.

آثار

۱. مجموعه تقریرات: این تقریرات شامل مباحث مهمّ اصول فقه، اصول عقاید (معارف) و قرآن شناسی است. بهترین نسخه از این تقریرات، نسخه ای است که توسط میرزای اصفهانی تصحیح شده است. [۱۸]
 ۲. معراج القرب: از آثار بسیار ارزنده و سازنده میرزای اصفهانی درباره نماز، «غایة المُنَى و معراج القرب و اللّقاء» است.
 ۳. وجه اعجاز قرآن: یکی دیگر از تعالیم عظیم میرزای اصفهانی تأکید بر این موضوع است که علّت اعجاز قرآن، بیش تر از هر چیز جنبه علمی قرآن در شناخت حقایق هستی، تازه بودن علم قرآنی و نیز این است که قرآن کریم از سنخ مفاهیم و معقولاتی که در دست بشر بود، نیست.
 ۴. معارف القرآن: در اصول اعتقادات.
 ۵. ابواب الهدی: این کتاب خلاصه «معارف القرآن» است، که به آن اشاره شد.
 ۶. مصباح الهدی: در اصول فقه.
 ۷. المواهب السّنیة فی بیان المعارض و التوریة فی کلمات الأئمّة (علیهم السلام) لاستنباط الاحکام الشرعیة: در روش استنباط احکام.
 ۸. ابطال معارف اليونان: فلسفه انتقادی. [۱۹]
 ۹. کتاب القضاء و القدر.
 ۱۰. رسالة فی الکُرّ.
 ۱۱. معرفة العوالم.
- آثار میرزای اصفهانی تا سال ۱۳۹۵ هـ. ق. که نزدیک به ۳۰ سال از فوت وی سپری شده بود، چاپ نشده بود. سیّد محمّد باقر نجفی یزدی در سال ۱۳۹۵ هـ. ق. مجموعه کوچکی از آثار ایشان را که مشتمل بر رساله های ابواب الهدی، مصباح الهدی، مواهب السّنیة، غایة المُنَى و رسالة فی الکُرّ بود، چاپ و منتشر نمود، ولی افسوس که این چاپ با روش علمی انجام نشد و نتوانست مقام علمی و معنوی میرزای اصفهانی را نشان دهد!

تأثیرهای تربیتی

موفقیت هایی که در علم و عمل نصیب میرزا مهدی اصفهانی گشت، منحصر به او نماند، بلکه اشعه آن ها به برکت تربت پاک امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بر حوزه علمیّه مشهدتافت و از آن عنایات به دیگران هم رسید. هم اکنون که ۸۲ سال از ورود میرزای اصفهانی به

مشهد می گذرد، هنوز برکات آن دوران مشهود است. شاگردان مکتب وی به خوبی دریافتند که راه وصول به حقایق، منحصر به طریق خالص قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و توسل عمیق و معرفت جویانه و تعقل مدار به ساحت قدس راسخان در علم قرآنی و حقایق الهی است. این راه، راهی ویژه است و به دلیل تمایز علوم الهی از علوم بشری، سلوک الهی نیز از سلوک بشری متمایز خواهد بود. از اینجاست که در مسیر سیر و سلوک قرآنی و حرکت به دلالت ولی الله الاعظم (عج)، نکات و رموزی از میرزای اصفهانی به شاگردان برگزیده ایشان رسید (سپس به برخی از شاگردان شاگردان) که به دلیل حساسیت موضوع و باریکی راه و خطرهای محتمل (و المخلصون فی خطر عظیم) در انحصار این بزرگان باقی مانده است. [۲۰]

اخلاق و روحیات

اخلاق نیک میرزا مهدی اصفهانی همگان را به خود جذب می نمود. او انسانی زاهد، وارسته و بسیار مهربان بود. وی احترام زیادی به سادات می گذاشت و به کودکان سادات محبت می نمود و از آن ها درخواست شفاعت می کرد. وی زاهدانه زیست و تا آخر عمر منزل ملکی نداشت. وقتی به او گفتند: منزل شما کوچک است و عائله زیاد، خوب است منزلی برای شما تهیه شود، مریدان شما دوست دارند منزلی برای شما تهیه کنند. ایشان گفت: همین منزل استیجاری برای من کافی است. اصرار می کنند که منزلی هست، بیایید و ببینید. می روند و منزل را می بینند و می گوید: دو روز دیگر صبر کنید، جواب خواهم داد. بعد از دو روز، میرزا فوت می کند و خرید منزل هم منتفی می شود.

او هیچ گونه علاقه دنیوی و مادی نداشت. وی به فکر شاگردان خود بود و از آن ها دلجویی می کرد. میرزا مهدی اصفهانی در زمان خفقان رضاخانی، به حاج شیخ مجتبی قزوینی پیشنهاد می دهد که نیمی از شهریه ۱۲ تومانی آیت الله نائینی را به بدهد تا خداوند گشایشی فراهم فرماید. [۲۱]

کرامات

۱. حجت الاسلام عباسعلی جوادی می گوید:

در اوائل تحصیلم در مشهد مقدس، میرزای اصفهانی در حمام سگته کردند. جنازه ایشان را به منزل منتقل کردند و به دستور پزشک، تشییع جنازه را یک روز تأخیر انداختند. روز بعد عده ای از طلاب حوزه علمیه مشهد به محل جنازه میرزا آمدند و تختی گذاشتند و بدن ایشان را غسل

دادند. برخی از علما و مدرسان حوزه علمیّه مشهد، از قبیل آیت الله نهاوندی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا جواد آقا تهرانی و آقای صدرزاده حضور داشتند. بعد از آماده شدن جنازه، آیت الله العظمی حاج سید یونس اردبیلی (متوفّا: ۱۳۷۷ ه.ق.) - از مراجع تقلید خراسان - [۲۲] که در بالاسر حضرت رضا (علیه السلام) نماز جماعت می خواند، آمد و بر بالای چهار پایه ای ایستاد و سخنرانی کرد و گفت:

آقایان طلاب! توجّه کنید. من یک خاطره ای دارم از مرحوم میرزا که تا به حال حقّ ابراز و اظهار آن را نداشتیم، امّا الان آن را برای شما می گویم.

در یکی از شب های سرد زمستان، از منزل بیرون آمدم تا طبق معمول هر شب به حرم حضرت رضا (علیه السلام) بروم. از طرف بالا خیابان (خیابان شیرازی فعلی) می رفتم، چون ساعت نداشتیم، احساس کردم که خیابان خلوت است و هنوز اذان صبح نشده است. مردّد بودم که برگردم به منزل یا بروم به طرف حرم، که دیدم آقای عبا به سر کشیده به طرف حرم می رود. با خودم گفتم این آقا می داند که ساعت چند است و به حرم می رود، من هم پشت سر آن آقا رفتم. ایشان به در بست بالا رسید، درب باز شد من هم رفتم. به در صحن کهنه رسید، درب باز شد من هم پشت سر ایشان رفتم. به در حرم رسید، درب باز شد من هم پشت سر ایشان رفتم. ایشان وارد حرم شد و عبا را از سر برداشت و به دوش کشید و کفش ها را برداشت، همین که صورت را برگرداند، مرا دید و گفت: سید یونس! تو این جا چه می کنی؟ گفتم: آقا! من از بالا خیابان پشت سر شما بودم. ایشان فرمود: تا من زنده ام، راضی نیستم این راز را فاش کنید. حالا دلت می خواهد به مزارهای دیگر ائمه (علیهم السلام) بروی و زیارت کنی؟ گفتم: بله. مرا به مدینه، نجف، کاظمین، سامرا و کربلا برد. در حرم سیدالشهدا (علیه السلام) بودیم که نزدیک اذان صبح بود، مرحوم میرزا رو کرد به من و گفت: برگردیم که شما به نماز صبح برسید. یک وقت نگاه کردم، دیدم در بالای سر حضرت رضا (علیه السلام) قرار داریم و آقا میرزا مهدی اصفهانی رفت و من هم نماز صبح را با جماعت خواندم. [۲۳]

۲. آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خراسانی فرمود:

یکی از شاگردان میرزا مهدی، به نام «سید محمد باقر دامغانی»، مبتلا به مرض سل شده بود. آن روزها، این مرض غیر قابل علاج بود و همه از او مأیوس شده بودند. او بسیار نحیف و ضعیف شده بود. یک روز دیدم که بسیار سر حال و سالم و با نشاط بدون هیچ کسالتی نزد ما آمد، همه تعجب کردیم و از او علّت شفا یافتنش را پرسیدیم، گفت: یک روز که خون زیادی از حلقم آمد و دکترها مرا مأیوس کرده بودند، خدمت استادم، حضرت آیت الله میرزا مهدی اصفهانی رفتم و شرح حال

را به ایشان گفتم، ایشان بعد از شنیدن سخنان من، دو زانو نشست و با قاطعیت عجیبی به من گفت: تو مگر سید نیستی؟ چرا از اجدادت رفع کسالت را نمی خواهی، چرا به محضر حضرت بقیة الله الاعظم (علیه السلام) نمی روی و از آن حضرت طلب حاجت نمی کنی، مگر نمی دانی آن ها اسماء حُسنی هستند؟ تو اگر مسلمان باشی، اگر سید باشی، اگر شیعه باشی، باید همین امروز شفایت را از حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - بگیری! و خلاصه، آن قدر سخنان محرک و تهییج کننده گفت که من گریه ام گرفت و از جا بلند شدم، مثل آن که می خواستم به محضر حضرت بقیة الله (علیه السلام) بروم. لذا بدون آن که متوجه باشم، اشک می ریختم و با خود زمزمه می کردم و می گفتم: «یا حجة بن الحسن ادرکنی» و به طرف صحن مقدس حضرت رضا (علیه السلام) می رفتم. وقتی به در صحن عتیق (صحن انقلاب فعلی) رسیدم، آن جا را طوری دیگر دیدم. صحن بسیار خلوت بود. از ایوان طلا، سیدی بیرون آمد که چند نفر همراه آن حضرت بودند. متوجه شدم آقا امام زمان (علیه السلام) است، و با خود گفتم، میرزا می گفت: به امام زمان متوسل شو و شفا بگیر... همان جا می خواستم فریاد بزنم، همین که این مطلب در دلم گذشت، دیدم آن حضرت برگشت و نگاهی با گوشه چشم به من کرد. عرق سردی بر بدنم نشست. ناگهان صحن مقدس را به حال عادی دیدم. دیگر از آن حضرت و آن چند نفر خبری نبود، و مردم به طور عادی در صحن رفت و آمد می کردند. من بهت زده شدم. در صحن، متوجه شدم که از آثار کسالت سل چیزی در من نیست. به خانه برگشتم و پرهیز را شکستم و آن چنان حالم خوب و سالم شد که هر چه می خواهم سرفه کنم، نمی توانم. [۲۴]

۳. یکی از جلسات درس میرزای اصفهانی در مدرسه نواب برگزار می شد. شخصی به نام آقای خادم [۲۵] می گوید: وارد مدرسه شدم، در فکر خود بودم و با خودم می گفتم: ای خدا! کجا هستی، کجا می شوی تو را دید؟ چون مقابل میرزا رسیدم که مشغول درس دادن بود، به طرف من نگاهی کرد - و شاگردان ایشان متوجه نشدند که میرزا به من توجه دارد - و گفت: خداوند تصوّر نمی شود. او منزّه و مبرّا از خیالات توست. این افکار باطل است. از او بخواه خودش را به تو بشناساند. وقتی میرزا این کلمات را به من گفت، نفهمیدم چه حالی پیدا کردم. الان هم نمی توانم آنچه در خود یافتم، برای شما بگویم.

رحلت

سرانجام میرزا مهدی اصفهانی (خراسانی) پس از عمری عبادت و طلب علم و کوشش های بسیار برای ترویج مکتب قرآنی خالص، در پرتو شمیم جان پرور ولایت حضرت مهدی - عجل الله تعالی

فرجه - مهبیای سفر آخرت می شود. وی یک هفته پیش از رحلت، وصیت می کند و امانت ها را به صاحبانش بر می گرداند. او روز پنجشنبه، پیش از رفتن به حمام مقبره که نزدیک منزل وی بود، با تمامی اهل منزل خداحافظی می کند و از آنان حلالیت می طلبد. سپس به حمام می رود و بدن را شستشو می دهد و از حمام خارج می شود، و در محل رختکن حمام سکنه می کند و در اواخر ذی الحجه سال ۱۳۶۵ ه.ق. از این جهان به سرای جاوید می شتابد.

پیکر پاک او را تا بامداد جمعه نگاه داشتند و در روز جمعه، با تشییعی عظیم، به صحن مطهر حضرت رضا(علیه السلام) آوردند، و پس از ادای مراسم، در دارالضیافه به خاک سپردند.

از نگاه دیگران

۱. آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر (متوفاً: ۱۳۷۳.ق.)، به هنگامی که میرزا مهدی اصفهانی - در مشهد - بیمار می شود و برای معالجه به تهران می آید، نامه ای برای ایشان می نویسد، و در ضمن آن نامه چنین می گویند:

امیدوارم کسالت جزئی باشد و تا به حال رفع شده، کسالت جنابعالی موجب کسالت همه دوستان شما، بلکه عموم اهل علم است. امید است به برکات وجود حضرت ولی عصر(عج) به زودی زود رفع شود، و ارض اقدس به وجود جنابعالی مزین گردد، و سال های سال اهل علم و غیرهم از محضر شریف استفاده نمایند، و همه گونه بهره ببرند. فَإِنَّهُ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ... [۲۶]

۲. استاد علامه جعفری تبریزی: در معرفی عرضه های اصیل معارف قرآنی، و موقعیت آیت الله میرزای مهدی اصفهانی، این گونه می گوید:

ما نیز در جامعه خود چنین طرز تفکری [عرضه معارف اصیل قرآنی و اسلامی] را در اشخاص معدودی می بینیم، که مهم ترین آن ها نظریات آیت الله مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی است. در گذشته من با تلامذه بسیار با فضل و تقوای مرحوم آقا میرزا مهدی تماس ها و بحث هایی داشته ام. نتیجه ای که از آن بحث ها حاصل شد این بود که ایشان هم معرفت و جهان بینی و طرز تفکر کلامی در اسلام را منکر نبودند، بلکه مانند دیگر علما، معرفت را ضروری می دانستند، در نهایت ایشان از غوطهور شدن در اصطلاحات قدیمی یونانی، و در مسائلی که خشکیده و هیچ گونه ارتباط حقیقی با واقعیات ندارد، خودداری می کردند. [۲۷]

۳. دکتر سید جواد مصطفوی خراسانی (م: ۱۳۶۸.ش)، صاحب آثار گرانقدر و متعدد، از جمله «الکاشف عن ألفاظ نهج البلاغة فی شروحه»، ترجمه و شرح «اصول کافی» و ... ایشان وضع حوزه علمیه مشهد مقدس، پس از حوادث شهریور ۲۰ را یاد می کند، و از جمله چنین می گوید:

«... باید بگویم که مؤسس واقعی حوزه [۲۸]، مرحوم میرزا مهدی اصفهانی بودند. بسیاری از علما با فشار و خفقان دوران رضاخانروحيّه شان ضعیف شده بود و کاری به این کارها نداشتند. میرزای اصفهانی بین سال های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۲ ش. وارد مشهد شدند. و ابتدا در مدرسه و بعداً هم در منزلشان درس می دادند. و باز از تدریس ایشان در منزلشان هم جلوگیری کرده بودند...

حدود ۱۰ سال را در «مدرسه نواب» گذراندم و «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» را در آنجا خواندم. مرحوم میرزا علی اکبر نوقانی متولّی همین مدرسه نواب بود، که از مدارس خوب مشهد به شمار می آمد. در آن زمان می شنیدیم که ۱۷ مدرسه در مشهد هست، ولی مدرسه ای که طلبه های فعّال و کوشایی در درس آنجا جمع باشند، مدرسه نواب بود آن هم به واسطه این که متولّی به آن ها می رسید. مرحوم میرزا علی اکبر نوقانی خود، هم مؤلف بود و هم منبری خوبی، و گاهی کتاب «کفایه» را هم درس می داد. چون ایشان شخصاً به طلبه ها می رسید، واقعاً مدرسه نواب، مدرسه نمونه ای بود. ایشان عالم شریفی بود. او هر روز می آمد و از طلبه ها خبر می گرفت. خود آن مرحوم از همان ابتدا که مرحوم میرزای اصفهانی حوزه مشهد را تأسیس کردند، از شاگردان ایشان بود. در عرض این ۴۰ سال، شاید الآن صدها مجتهد، مدرّس، محقّق و امام جمعه و جماعت که در اطراف و اکناف ایران [و خارج ایران] پراکنده هستند، نقطه آغاز و سرچشمه اش همان مرحوم میرزا مهدی اصفهانی بود. او جوان ها را تشویق می کرد که بیایید درس بخوانید. خود او و شاگردانش این تشویق و ترغیب را از وظایف شرعی خود می دانستند...

آنچه مسلم است مرحوم میرزا، مکتبی داشتند که به نظر من در آن زمان آثار فوق العاده ای داشت. من قضیه ای یادم آمد که آقای حاج شیخ محمود حلبی فرمودند: در جلسه ای بودیم که دو نفر از آن ها فوت کرده و سه نفر زنده هستند: آقا شیخ محمود حلبی، بنده و آقای مدرّس رضوی از بین [آن] جمع زنده ایم. دو نفری که فوت کرده اند مرحوم فروزانفر و دایی ما مرحوم اشرف الواعظین بودند. آقای فروزانفر به ملاقات دایی ما در تهران آمده بودند - گمان می کنم این قضیه متعلّق به بیش از ۳۰ سال پیش است - آقای فروزانفر همین موضوع [۲۹] را پیش کشیدند، خوب، موضوعی است واقعاً مهم، که یک نفر در مشهد بیاید و شاگردان آقا بزرگ حکیم (که ایشان از شاگردان بزرگ میرزای جلوه، فیلسوف معروف، بوده)، نظیر آقا شیخ مجتبی قزوینی فلسفه خوانده، آقا میرزا جواد آقا فلسفه خوانده، آقای شیخ غلامحسین محامی، [۳۰] و همه این افراد فلسفه خوانده را برگرداند. این مطلب آسانی نیست. به واسطه این که این ها دانشمندانی بودند که دلیل سست را قبول نمی کردند. این آقایان خواب دیدن، و نقل از دیگران، و شعار و کلی گویی را قبول نمی کردند، و اگر کوچک ترین خللی در برهان بود آن را نمی پذیرفتند. آقای شیخ محمود می گفتند:

آقای فروزانفر پرسید که این مکتب چه بوده؟ آقای میرزا مهدی اصفهانی در مشهد بودند، و شنیدیم که شما هم قبول کردید، اصلاً ایشان چه می گفتند؟ آثاری از ایشان مانده یا نمانده؟ آقای شیخ محمود حلبی، حدود ۳۰ سال پیش در آن مجلس که آقای مدرّس رضوی هم حضور داشتند، پاسخ دادند که:

ابتدا ایشان [یعنی میرزای اصفهانی] شاگرد میرزای نائینی بوده اند، و تصدیق اجتهاد از میرزای نائینی و آقای سیّد ابوالحسن اصفهانی داشتند و به مشهد آمدند. ما هم از اوّلی که منطق خواندیم تا این زمان می شود گفت که الان [۳۱] ۱۸ سال است که با مطالب فلسفه خو گرفته ایم، این ها را هم وحی مُنزَل می دانیم، این جور بودیم. شنیدیم که ایشان آمده است و فلسفه را رد [نقد اجتهادی] می کند، و توی «مدرسه پرزاد» شب ها درس می دهد. ابتدا قضیه را جدی نگرفتیم و به درسشان نرفتیم، بعد دیدیم همه اساتید، کسانی که در حوزه مشهد آن زمان اگر بگوییم ۲۰ نفر بودند، از این عده، ۱۷ نفر به درس ایشان رفتند و مکتب ایشان را پذیرفتند. به این جهت است که عرض می کنم، ایشان واقعاً انقلاب علمی کرد. مثلاً ۲ نفری که نپذیرفتند، مثل آقای کفائی، مدرسی بود جداگانه، ولی او هم با ایشان مخالفت نمی کرد. شنیده نشد که یک نفر از علمای سرشناس مشهد بماند و مکتب ایشان را قبول نکند. این جور بود.»

«خود آن ها (فلاسفه) هم اصالة الوجودی دارند و هم اصالة الماهوی. این در خود فلاسفه هم هست، یکی اصالة الوجودی می شود و آن دیگری اصالة الماهوی. اختلافات مبنایی دارند. یکی حرکت را در ۴ مقوله «کم» و «کیف» و «این» و «وضع» می داند، بعد ملاصداً حرکت جوهری را هم اضافه کرده [۳۲]، باز ملاً عبدالرزاق لاهیجی این را رد کرده و می گوید: من اصلاً حرکت جوهری را قبول ندارم. در میان خود فلاسفه آن قدر اختلاف هست که الی ماشاءالله. من در مقاله ای نوشتم که نسبت به کیفیت علم خدا، ۳۲ قول نقل شده است که این علم به چه نحو است. یک خدا بیشتر نداریم، ۳۲ قول داریم که علم خدا چگونه است اسلام می گوید در همه چیز فکر کنید ولی در ذات خدا فکر نکنید، زیرا خدا نامحدود است و فکر شما محدود مرحوم میرزا می گفته که بعضی از نتایجی که فلاسفه می گیرند با قرآن مخالف است این در فلسفه درست نیست که ما کتاب یک فیلسوف را محور قرار داده و آن را درس بدهیم، و افکار طلاب و حوزه را در آن مبانی که آن آقا تأسیس کرده قالب گیری کنیم، باید فلسفه هم اجتهادی باشد.» [۳۳]

۴. محمّد کاظم مدیر شانه چی:

مرحوم آیت الله امیرزا مهدی اصفهانی، که از مجتهدین وارسته و زهاد مشهد بودند، و شاگردان بزرگی تربیت کردند.

دیگر از اساتید فقه و اصول (خارج) بنده به ترتیب، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینیاست، که از علمای وارسته و جامع معقول و منقول مشهد بودند که ما [نزد ایشان]، یک دوره اصول، بر مبنای مرحوم نائینی، و نظرات استاد حاج شیخ، یعنی مرحوم امیرزا مهدی اصفهانی، و نیز مبحثی از فقه خارج را دیدیم. [۳۴]

(بعد از شهریور ۲۰)، مرحوم میرزای اصفهانی دستور دادند که برویم اتاق های مدرسه نواب را تصرف کنیم، (بعد) مرحوم میرزا علی اکبر نوقانی (متوفاً: ۱۳۷۰ ق) تعمیراتی در مدرسه انجام داد، و طلاب جدید وارد آن شدند.

مرحوم آیت الله آقا میرزا مهدی اصفهانی شاگرد نائینی، و از علمای برجسته و پایه گذار مباحث اصولی در مشهد بودند ما چون یک درس (خارج) را کافی نمی دانستیم، از مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی (رضوان الله علیه) نیز تقاضا کردیم درسی بگویند به ایشان گفتیم: می خواهیم یک دوره تقریرات مرحوم نائینی را که شما از استادتان سماع کرده اید، برای ما بفرمایید. ایشان هم با سعه صدر قبول کردند و درس خارجی را، در مدرسه ابدالاخان - که الآن خراب شده - شروع کردند. لذا به دو درس خارج، یکی درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و دیگری درس مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی می رفتیم. [۳۵]

۵. شیخ محمد واعظ زاده خراسانی:

یکی دیگر از مدرّسین فقه و اصول و معارف، مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی بود. او از شاگردان دوره اول درسی مرحوم نائینی بود یک سال از درس معارف مرحوم میرزای مهدی اصفهانی، و نیز یک دوره از درس معارف و هم از درس خارج اصول حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده کرده ام. [۳۶]

۶. شیخ عبدالله نورانی:

اما وجود مرحوم میرزا مهدی اصفهانی، که از شاگردان طراز اول میرزای نائینی بود، و تربیت شده محضر علمای بزرگی بود، در مشهد غنیمتی به شمار می رفت. کسانی که با مکتب او آشنا هستند، معتقدند که از جهت «علو نفس» و «تأله» بسیار پیشرفته بود، به طوری که برخی اظهار می دارند که از جهت مبادی اخلاق، از مرحوم ملا حسینقلی همدانی پخته تر و کامل تر بود. از نظر فقاقت نیز از استادش میرزای نائینی درجه اجتهاد گرفته بود، و به تمام مبانی استاد آشنا بود.

در مراحل بعدی، مرحوم آقا میرزا احمد خراسانی، فرزند کوچک تر آخوند صاحب «کفایه»، حوزه درس و بحث داشت. و در دوره سطح، مرحوم آقا شیخ کاظم دامغانی و مرحوم شیخ هاشم مدرّس قزوینی به تدریس مشغول بودند.

مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی برای اخلاق عملی و سیر و سلوک و نوافل و عبادات اهمیّت فراوانی قائل بودند، و توجّه فراوانی به پرورش نیروهای روحانیّت داشتند، و همواره معنویّت در حوزه را، در خطّ ائمّه طاهرین (علیهم السلام)، مورد تأکید قرار می دادند. [۳۷]

۷. دکتر احمد مهدوی دامغانی:

آن ایّام، جناب دکتر، [۳۸] در «مدرسه دو در» در یک حجره فوقانی، قسمت جنوب شرقی مدرسه - که آن حجره اساساً حجره پر برکتی بود - زندگی می کردند. حجره آقای راشد و بعضی علما در آنجا بود. و یکی از مفاخر خراسان، یکی از اعظم حوزه، یکی از اساتید مُسَلّم حوزه، و اصلاً استاد الاساتید، مرحوم آیت الله حاج میرزا مهدی اصفهانی - رضوان الله علیه - عصرها در آن حجره جلوس می فرمودند و معارف اسلامی، نه معارف اسلامی مصطلح امروزی، بلکه آن مقدار معارف که منبعث و متّخذ از علوم عالیّه اهل بیت عصمت و طهارت - صلوات الله علیهم اجمعین - است، آن ایّام در مشهد منحصر بود به مرحوم آیت الله حاج میرزا مهدی اصفهانی. [۳۹]

۸. آقا بزرگ حکیم:

استاد علامه حکیمی می نویسد:

با یکی دو تن از دوستان فاضل، در قم، به دیدن آیت الله حاج شیخ محمّد باقر محسنی ملایری رفتیم. در ضمن صحبت، دیدم ایشان دورانی و مدتی از تحصیلات خود را در مشهد گذرانده اند، و محضر آقا بزرگ حکیم را درک کرده اند، و حضورشان در مشهد مقارن بوده است با روزگاری که میرزای اصفهانی دروس خویش را القا می کرده است پرسیدم: با میرزا هم ارتباطی داشتید؟ گفتند: بله. و سخن در این باره شروع شد. اظهار داشتند: من به درس آقا بزرگ حکیم می رفتم. آشیخ هاشم قزوینی به من گفت: چرا به درس میرزا نمی آید؟ حتماً بیایید. و اصرار کرد. گفتم: استاد آقا بزرگ فرموده است به درس دیگری نروید. ایشان گفت: هر طور شده آقا بزرگ را راضی کنید و حتماً به درس میرزا بیایید. در پی اصرار آشیخ هاشم، از استاد اجازه گرفته به درس میرزا رفتم. اولین جلسه ای که حاضر شدم، بحث درباره کیفیت حصول علم برای نفس بود، و بیان حقیقت علم و تمایز آن با نفس ... و مطالبی بسیار مهم در این باره ... پس از این درس، هنگامی که خدمت آقا بزرگ رسیدم مطالبی را که میرزا فرموده بود، نقل کردم. آقا بزرگ حکیم به محض شنیدن فرمود: «عجب مطالب عرشی! عجب مطالب مهمی، تاکنون از کسی نشنیده بودم. حتماً به درس ایشان بروید و بیایید مطالب را به من هم بگویید.» [۴۰]

پانوشت

- [۱] - میرزا مهدی اصفهانی می توانست روح خود و دیگران را از بدن خارج سازد. علامه محمدرضا حکیمی به نقل از آمیرزا علی اکبر معلّم دامغانی فرمود: میرزای اصفهانی سفری به دامغان آمد و چند روزی در منزل ما بود. روزی صحبت از خلع بدن شد، درخواست کردیم نمونه‌های را به ما ارائه دهد. برادرم در مجلس حاضر بود. قرار شد ایشان را خلع بدن کند و چنین کرد، و به حالت مرده در آمد. بعد روحش را برگرداند. پرسیدم: چگونه بود؟ گفت: خودم را روی رف می دیدم و بدنم را افتاده کف اطاق. من خواستم تقاضا کنم مرا هم خلع بدن کند که مهمانانی رسیدند و نشد.
- [۲] - این مضمون در روایات بسیاری نیز رسیده است.
- [۳] - ابواب الهدی، ص ۴۶، سیدمحمد باقر نجفی یزدی (متوفا: ۱۳۶۶ ش) نگاه حوزه، شماره ۵۲ و ۵۱، ص ۱۲۲.
- [۴] - اشاره است به جمله‌های معروف از زیارت «آلیس» و مقصود از آن علمی است که از ناحیه معصوم (علیه السلام) به فردی عنایت می شود.
- [۵] - محمد تقی میرزا عسکری. معروف به آقا بزرگ حکیم از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا هاشم گیلانی اشکوری و حکیم کرمانشاهی بود. وی استاد فلسفه حوزه علمیه مشهد مقدس بود. حاج شیخ مجتبی قزوینی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۶ ه.ق.) و شیخ غلامحسین محامی باد کوبهای (متوفا: ۱۳۳۳ ش.) که از عالمان مکتب تفکیک بودند، سالها در درس او شرکت کردند و با آمدن میرزای اصفهانی به مشهد، به مکتب وی پیوستند. شرح حال این عالم فرزانه در مجله نگاه حوزه، سال اول، شماره ۳، آمده است.
- [۶] - شرح حال وی در «ستارگان حرم»، ج ۳، ص ۲۰۵ و «آثار الحجة» آمده است.
- [۷] - شرح حال ایشان در همین جلد از «گلشن ابرار» آمده است.
- [۸] - شرح حال این عالم فرزانه در مجله نگاه حوزه، سال ۱۳۷۴، شماره ۵ آمده است.
- [۹] - شرح حال این عالم مربی و تأثیر گذار در مجله نگاه حوزه، سال ۱۳۷۵، شماره ۵ آمده است.
- [۱۰] - نویسنده «خورشید تابان در توحید قرآن».
- [۱۱] - وی در سال ۱۲۹۴ ش، در شهرستان شاهرود متولد شد. پدر ایشان آیت الله شیخ محمد نمازی شاهرودی است. وی حافظ قرآن و محدّثی متبحر و دارای تألیفات بسیار ارزنده و فراوان است.
- [۱۲] - از او تألیفات زیادی به جا مانده است.
- [۱۳] - وی پدر دکتر علی شریعتی است.

- [۱۴] - شرح حال وی در همین مجموعه گلشن ابرار، ج ۳ آمده است. وی در سال ۱۲۸۳ ش، در تهران، در خانوادهای مذهبی متولد شد و در قم، نجف و مشهد مقدس نزد میرزا مهدی اصفهانی، حاج شیخ مجتبی قزوینی و دیگر استادان حوزه به تحصیل علم پرداخت. آثارش عبارتند از: ۱- میزان المطالب. ۲- آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی. ۳- فلسفه بشری و اسلامی. ۴- عارف و صوفی چه می گوید؟ ۵- بهائی چه می گوید؟ ۶- بررسی پیرامون اسلام.
- [۱۵] - وی از واعظان معروف مشهد مقدس و نویسنده «معارف القرآن» می باشد.
- [۱۶] - شرح حال وی در «ستارگان حرم»، ج ۶، ص ۹۹ آمده است.
- [۱۷] - شرح حال وی در مجله «نگاه حوزه»، شماره‌های ۴۷ - ۴۶ - ۴۵، ص ۱۲۶ آمده است.
- [۱۸] - تقریرات ایشان ۵ جلد است که متأسفانه هنوز چاپ نشده است.
- [۱۹] - امروز که تنبّهات دربارۀ عقب افتادگی فکری حاصل شده است، بر لزوم «نقد فلسفی» اصرار میشود و برخی از استادان فلسفه آن را مورد توجّه قرار داده‌اند اما نه در حدّ شایسته و لازم. ر.ک: خردنامه صدرا.
- [۲۰] - «مکتب تفکیک»، محمّد رضا حکیمی، ص ۲۱۲ (با تلخیص).
- [۲۱] - به نقل از حجت الاسلام والمسلمین مرحوم میرزا علیرضا غروی، فرزند میرزا مهدی اصفهانی.
- [۲۲] - شرح حال ایشان در «دایرة المعارف تشیع»، ج ۲، ص ۶۴ آمده است.
- [۲۳] - به نقل از: آقای جوادی.
- [۲۴] - علامه محمّد رضا حکیمی نیز این کرامت را از حاج شیخ مجتبی قزوینی شنیده و بارها (با عباراتی به همین مضامین) نقل کرده است.
- [۲۵] - آقای خادم از افراد خیر و نیکو کار مشهد مقدس است و بزرگانی همچون آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی و آیت الله مروارید او را مردی پاک و با ایمان و بی آلایش می دانند.
- [۲۶] - مکتب تفکیک، ص ۴۱۱.
- [۲۷] - «تکاپوی اندیشه‌ها»، ص ۵۱۹ و ۵۲۰.
- [۲۸] - یعنی حوزه علمیه مشهد مقدّس، پس از حوادث شهریور ۲۰. مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد کفائی (م: ۱۳۹۵ ق)، فرزند مرحوم آیت الله العظمی آخوند ملاّ محمّد کاظم خراسانی (م: ۱۳۲۹ ق) - که از رؤسای روحانی و با نفوذ خراسان بود - نیز در بقای حوزه و تأسیس و رونق آن پس از شهریور ۲۰ نقش مؤثر داشت. نقش ایشان بیشتر از نظر نفوذ و قدرت بود، و نقش میرزا مهدی اصفهانی از نظر معنوی و تربیت. و حاج میرزا احمد کفائی نیز از جمله علاقه مندان به

میرزای اصفهانی بوده است، و برخی از مراحل کمالی میرزا، از جمله موضوع «خلع بدن» را ایشان نیز نقل میکرده است. برخی دیگر از علما و مدرّسان والامقام حوزه، از جمله، حاج شیخ هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، حاج میرزا احمد مدرّس، حاج میرزا علی اکبر نوقانی و شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی) نیز در رونق یابی مجدد حوزه مشهد سهم داشته‌اند.

[۲۹] - یعنی موضوع میرزای اصفهانی و تحوّلی که در مشهد به وسیله ایشان پدید می آید.

[۳۰] - آقای دکتر محمد باقر نورالّهیان، که از کسانی هستند که محضر میرزای اصفهانی را درک کرده‌اند و در برخی از درسهای عام ایشان حاضر میشده‌اند، درباره شاگردان میرزا چنین میگویند: «.. آقای شیخ غلامحسین محامی - که از مدرّسین و فلاسفه درجه یک مشهد بودند - از شاگردان ایشان به شمار میرفتند. آقای شیخ محمود حلبی، از شخصیت‌های علمی و از کسانی بودند که چندین ماه - شاید در حدود ۵، ۶ ماه - مناظرات علمی با مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی داشتند.» - مجله «کیهان فرهنگی»، سال دوم، شماره ۱۲، اسفند ماه ۱۳۶۴ ش.

[۳۱] - مقصود زمانی است که به حضور و درس میرزای اصفهانی می روند.

[۳۲] - البته نه به صورت ابتکار کامل ...

[۳۳] - مجله «کیهان فرهنگی»، سال دوّم، شماره ۱۲، اسفند ماه ۱۳۶۴ ش.

[۳۴] - مکتب تفکیک، ۴۱۶.

[۳۵] - پژوهشی درباره حدیث و فقه، محمد کاظم مدیر شانہچی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۰، ص ۱۲ - ۱۵.

[۳۶] - مکتب تفکیک، ص ۴۱۷.

[۳۷] - همان.

[۳۸] - دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی.

[۳۹] - مجله «کیهان فرهنگی»، سال اوّل، شماره ۶ و مکتب تفکیک، ص ۴۱۷.

[۴۰] - مکتب تفکیک، ص ۲۳۴.